

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ

۸

مغازیف

در دو شمارهٔ پیش راجع بشکل قانون و سنتور و چنگ ولیر که نویسندگان و علمای اسلام آنها را مغازیف مینامند و سازهایست که هنگام نواختن، سیمهای آنها آزاد است شرحی باختصار بیان داشتیم و تاریخ تحول آنرا تا اواخر دورهٔ ساسانی توضیح دادیم. اینک، در پایان این مقال، نکاتی هم راجع با آنچه علمای اسلام دربارهٔ این سازها نوشته اند بیان میکنیم و باین مبحث خاتمه میدهیم.

نویسندگان عمدهٔ اسلام که راجع بموسیقی کتاب و رساله نوشته اند دربارهٔ هر یک از سازهای مذکور اظهاراتی کرده اند که کم و بیش شایسته توجه و بررسی است. ولی توضیحات آنها عموماً جنبهٔ فنی ندارد یعنی بنقل خبر و جدیت بیشتر شبیه است تا بیک بحث علمی و فنی. مخصوصاً در مورد سازهایی که بین ایشان کمتر متداول بوده است نقصان کارایشان بیشتر مشهود می باشد.

چنانکه در مقاله شماره پیش متذکر شدیم چنگ و سازهای شبیه بآن در دوره ساسانی باوج عظمت و ترقی رسیده بود ولی بعد از اسلام از آن اعتبار و عنوان افتاد و بر ربط در درجه اول و تنبور در درجه دوم مورد علاقه و توجه عوام و خواص گردید. از این رو علمای دوره اسلامی راجع بمعازیف بندرت بحث میکنند و یا با اشاره کوتاه و مختصری اکتفا مینمایند.

نخستین کسی از نویسندگان صدر اسلام که در کتاب خود بمعازیف اشاره میکند ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف الخوارزمی است که قسمت عمده زندگی اش را در نیمه اول سده سوم هجری گذرانیده و در اواسط آن قرن از دار دنیا رفته است. این دانشمند کتاب بسیار مفصلی بنام مفاتیح العلوم دارد که ما ضمن مقالات گذشته مکرر بمطالب آن اشاره و استناد کرده ایم. کتاب مزبور نخستین دائرة المعارف بزرگی است که بزبان عربی درباره هنر و صنایع و علوم متداول عصر نوشته شده است و دو بخش عمده (مقالتان) دارد که باب هفتم از بخش دوم آن بموسیقی اختصاص داده شده است. باب مزبور نیز سه فصل تقسیم شده است باین ترتیب: باب اول - درباره انواع ساز و آلات طرب؛ باب دوم درباره اصول و مبانی موسیقی؛ و باب سوم راجع بایقاعات بحث میکند.

مؤلف کتاب ضمن بحث درباره سازها بمعرفه نیز اشاره میکند و میگوید ساز سازی است زهی متعلق بمردم عراق. اظهار این مطلب مؤید اینست که این ساز بیشتر در منطقه بین النهرین و نواحی غربی ایران رواج داشته است. ولی علمای دیگری، از جمله مسعودی از قول ابن خردادبه، معازیف را بمردم یمن منسوب میدانند و حتی کوس را هم که از آلات ضربی و جنگی ایرانیان بوده و ما بعداً در فصل مربوط بآلات ضربی راجع بآن صحبت خواهیم کرد بمردم یمن نسبت میدهند. اما اظهارات این نویسندگان را باستناد و بقرینه نوع و طریق بیان مطلب نمیتوان پذیرفت. مثلاً حدیثی هم درباره مخترع آن نقل میکنند باین مضمون که مخترع معازیف دختر لاماک که هفتمین نسل آدم ابوالبشر بوده و ضلال نام داشته، بوده است. شاید بتوان احتمال داد که علت انتساب اختراع این ساز بدختر مزبور از اینجهت بوده است که وجه رابطه ای بین اسم مخترع (ضلال بمعنی گمراهی) و اختراعش که بعقیده ناقلان این احادیث از لحاظ مبانی مذهبی اشتغال به آن حرام است

یافته و باین ترتیب توجه مردم را از آن منحرف و سلب کرده باشند. شاید هم از جهت اینکه یمن از قدیم دردنیای عرب یکی از جمله مراکز عمده ذوق و هنر شناخته میشد و هر سال عده‌ای نوازنده و سازنده از آن منطقه بخارج عزیمت میکردند علمای مزبور چنین تصور کرده‌اند که معزفه را باید بایشان منسوب دانست. هنوز هم مردم نجد و حجاز خوانندگان و نوازندگان یمن را بهتر از نقاط دیگر عربستان میدانند. اما علمای اسلامی بندرت از لیر صحبت میکنند و چنین برمی آید که مسلمانان باین ساز توجه و تمایلی نداشته‌اند ولی قوم یهود به آن علاقمند بوده‌اند و در بناهای تاریخی ایشان عکسهای از آن دیده شده است. ولی بنا بر آنچه مسعودی روایت میکند ساز دیگری تقریباً بهمین شکل و صورت که دارای هفت سیم بوده و آنرا ونج یا زنج بروزن ذنخ مینامیدند در نواحی خراسان رواج داشته است.

علمای اسلامی لیر را عموماً لور نوشته‌اند و آنرا بیونانیها منسوب میدانند. امروزه هم در مصر سازی تقریباً بشکل لیر دیده میشود که آنرا تنبور بر بریه مینامند.

همانطور که تذکره دادیم در دوره اسلامی چنگ چندان رونق و شهرتی نداشت. از دوره درخشان سومر چنگی در دست است که جعبه صوتی آن در زیر سیم هاست ولی این نوع چنگ نزد ایرانیان و اعراب مورد توجه نبوده و اگر بوده فقط در حوزه کشاورزان و زارعان معمول بوده است. شاید از اینجهت که اجرای قطعات سخت با آن مشکل بوده و مورد علاقه صاحب ذوقان نشده است.

اولیاء چلبی در سفر نامه خود میگوید که فیثاغورث حکیم چنگ را برای تسلی و آرامش خاطر سلیمان نبی اختراع کرد و سازی است بزرگ شبیه بخرطوم فیل و دارای چهل سیم است و صدای آن حیرت آور میباشد و چون نواختن آن مشکل است نوازندگان آن چندان زیاد نیستند.

اندازه چنگ مکرر تغییر یافته و از سده نهم هجری ببعده بزرگتر و بر حجم آن افزوده شده است و شاید بهمین سبب بوده که بتدریج از درجه اعتبار افتاده است.

بعضی از نویسندگان عرب نیز اختراع آنرا بروم شرقی نسبت میدهند از جمله در مفاتیح العلوم سازهای بنام سلباق و لور متعلق بدوره تسلط رومیان

بر آسیای صغیر ذکر شده که محتمل است همان چنگ یا صنج یا سازی از همین خانواده بوده باشد.

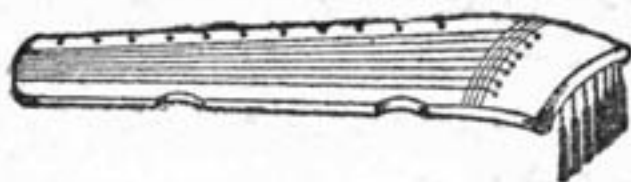
فارابی در کتاب الموسیقی الکبیر اشاره بسیار مختصری باین ساز میکند و تحت عنوان معازیف و جنوک و صنوج شرحی در کمال اجمال بیان میکند. ابن سینا نیز بحث درباره این گروه ساز را باختصار بر گزار میکند ولی مؤلف کنزالتحف و همچنین ابن غیبی هر دو شرح نسبتاً جامعی راجع بآن بیان میکنند و خلاصه اظهارات آنها اینست که: چنگی که صندوق صوتی آن منحنی است در حدود ۱۰۹ سانتیمتر و دسته آن ۸۱ سانتیمتر بوده است. از این جعبه صوتی بیست و چهار تا بیست و پنج سیم از موی بز کشیده شده و سر دیگر آن بمیخهای فلزی یا گوشیهائی که آنها را ملاوی مینامیدند متصل میگرددیده است. این میخها در روی قطعه چوب افقی قرار داشته است. بعضی از چنگها تا حدود سی و پنج سیم داشته و تمام دامنه قاعده ساز را شامل میشده است.

روی جعبه صوتی این نوع چنگ را با پوست میپوشانیدند و بدنه آن از چوب مویا هلو ساخته میشد. نوازنده هنگام نواختن دسته آنرا در زیر بازوی چپ خود قرار میداده و انگشتهای هر دو دست را با سیمها لمس میکرد و به نك انگشتهای اغلب قطعه فلزی بنام و بشکل زخمه میبستند که صدای ساز بیشتر شود. علاقمندان میتوانند بکتاب «موسیقی نزد ایرانیان» تألیف آدویل La musique Chez les Persan ; Advielle مراجعه فرمایند.

ابن غیبی از سازی نام میبرد که با احتمال قوی همین چنگ است. نویسندۀ مزبور این ساز را اقری مینامد. تفاوت این ساز با چنگ معمولی این بوده که جعبه صوتی آن پوست نداشته و همه از چوب ساخته میشده و حتی میخها یا ملاوی آن هم از چوب بوده است.

در اینجا بیمناسبت نیست که اشاره ای هم بسازهای شبیه بمعازیف که در نقاط دیگر جهان موجود است کنیم. در چین سازی بنام کین وجود داشته که نقل میکنند مورد علاقه کنفوسیوس حکیم بزرگ چینی بوده است. تارهای این ساز از ابریشم تابیده درست میشده که آنها را در روی تخته ای بپکشیدند. قسمت بالای این تخته مدور و معرف آسمان یا بهشت و قسمت

پایین آن صاف و معرف زمین بوده است . تعداد سیمهای آن پنج تا بوده که نماینده پنج عنصر باشد . ولی بعد تعداد سیمها به هفت افزایش یافته و باین



ترتیب کوك ميشده است . سل ، لا ، دو ، ر ، می ، سل ، لا . ساز دیگری از این طبقه که در چین معمول بوده سی نامیده میشود است که در اصل دارای پنجاه سیم بوده ولی فعلاً بیش از بیست و پنج سیم ندارد . چهار نوع از این ساز که از لحاظ اندازه و تعداد سیم با هم تفاوت دارند



اکنون در چین معمول است . آهنگی که با این ساز نواخته میشود معمولاً بصورت اوکتاواست . این ساز مثل سنتور با دو مضرابی که از عاج میسازند نواخته میشود معمولتر از همه انواع آن سیزده یا چهارده سیم دارد . ساز ملی ژاپن کوتو نام دارد که شبیه سنتور است و دارای سیزده سیم میباشد که باین ترتیب آنرا کوك میکنند .



سیم اول - دو (دی یز)
 سیم دوم - فا (دی یز) یعنی بفاصله پنجم کامل .
 سیم سوم - سل (دی یز)

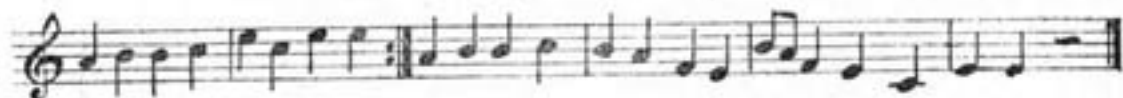


- سیم چهارم - لا (بکار)
- سیم پنجم - دو (دی یز)
- سیم ششم - ر (بکار)
- سیم هفتم - فا (دی یز)
- سیم هشتم - سل (دی یز)
- سیم نهم - لا
- سیم دهم - دو (دی یز)
- سیم یازدهم - ر (بکار)
- سیم دوازدهم - فا (دی یز)
- سیم سیزدهم - سل (دی یز)

چنانکه ملاحظه میشود بین صدای سیم چهارم و پنجم يك فاصله سوم



بزرگ است و برای بر کردن بین این دو صدا هنگام نواختن قسمت پشت پل را فشار می آورند و باین ترتیب سیم کشیده میشود و باندازه نیم پرده و حتی يك پرده صدا بالاتر میرود و نغمه های اضافی بدست می آید و گامی شبیه بگام دوریان و ایولیان میشود. البته قسمت اعظم موسیقی ژاپن بدون این نغمه های اضافی ثبت میگردد باین ترتیب:



در مصر نیز همانطور که مکرر متذکر شده ایم انواع چنگ از قدیم وجود داشته است. تعداد سیمهای چنگ در مصر از سه تا بیست و يك تغییر میکرده است، دامنه صدای چنگ بزرگ مصری از سی زیر پنج خط حامل (کلید فا) تا می خط اول (کلید سل) بوده است یعنی تقریباً دواکتاو و نیم - دامنه صدای چنگهای کوچکتر از (ر) خط سوم (کلید فا) تا (ر) یا

می بالای پنج خط (کلیدسل) تغییر
 میکرده است. چنگ هم مثل ساز
 هائی که تا کنون راجع بآن بحث
 کرده ایم از اراضی خاور نزدیک به
 کشور های اروپا راه یافته و گو
 که امروز جاه و مقامی در ردیف
 آلات موسیقی ندارد انواع آن در
 بعضی از کشور های متمدن جهان
 بسیار معروف است فعلا چنگ
 ایرلندی و چنگ اهالی ویلز Wales
 واقع در مغرب انگلستان در جهان
 شهرت دارد. مردم این دو ناحیه



احترام فراوان برای چنگ قائل بودند و آنرا جزء اسباب و اناث مقدس
 خانواده محسوب میکردند. يك مرد عادی حق نداشت بچنگ دست بزند
 و آنرا لمس کند. در ویلز طلبکار حق نداشت چنگ بدهکار را در مقابل طلب
 خود بگیرد یا توقیف کند.

چنگ با وجود زیبایی صدایش امروزه چندان مورد توجه و علاقه
 نیست ولی هنوز هم یکی از ارکان ارکستر محسوب میشود و استادان بزرگ
 موسیقی نیز در آثار خود از وجود آن استفاده کرده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی